

*۱۳۷ و نقش آن در مدیریت راهبردی شهر تهران

نویسنده: مصطفی محمدی ده چشمه
مدرس دانشگاه آزاد اسلامشهر

چکیده

امروزه رشد جمعیت، توسعه فیزیکی و گسترش حوزه خدمات رسانی در شهر تهران همزمان با بالا رفتن میزان مطالبات شهروندان در این شهر، بعد نوینی از مدیریت شهری را با نام مدیریت راهبردی مطرح نموده است. این بعد از مدیریت شهری با تأکید بر مشارکت شهروندی، شهروندمداری و نوعی برنامه ریزی محله مینا، به دنبال حکمرانی بهینه در شهر تهران می باشد. واضح است که اصل شکل دهنده به حکمرانی بهینه شهر، مشارکت شهروندی می باشد. با این حال رویکرد سنتی به مشارکت علاوه بر ناتوانی در پاسخگویی به مطالبات شهروندان، به نوعی کناره گیری از تحولات عظیم جهانی قلمداد می شود، در نتیجه سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ به عنوان جوابگویی به نیاز شهروندان و پل ارتباطی آنان با مدیران شهری و مطابق با اهداف پایداری اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شهر مطرح شده است. این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه این سامانه مدیریتی در مدیریت راهبردی شهر تهران پرداخته است.

واژه های کلیدی: ۱۳۷، مدیریت شهری، مدیریت راهبردی، تهران

مقدمه:

و نبودن احساس تعلق خاطر به محل وعدم ارتباط و دوستی با همسایگان، هم محلیها، همشهری ها و نبودن نظارت مؤثر بر جامعه به دلیل بی نام و نشان بودن شهروندان و خصوصاً سست بودن عقاید دینی، ناراحتیهای روحی و روانی و جرائم افزایش یافته و بسیاری از انحرافات شیوع و بروز کرده است، تاجایی که امروز بوم شهر را می توان مکانی پاره پاره و دستخوش هرج و مرج دانست که در آن توجه به مقوله پایداری و حفظ تعاملات به رویایی دست نیافتنی تبدیل شده است. مجموع این شرایط زمینه شکل

شهر و شهر نشینی در آغاز سده بیست و یکم (عصر پست مدرن، عصر جهانی شدن، عصر پست متروپلیتن و...) در معرض تحولات بنیادی کمی و کیفی فراوانی قرار گرفته است، تمدن کنونی بیش از پیش شهری شده و رشد شهری و لایه بندیهای اجتماعی، پیامدهای ناگواری را بر پیکر هستی اجتماعی وارد آورده، ابعاد سکونتگاه های شهری روز به روز پیچیده تر و به تبع آن ناپایداری چند بعدی در زیست بومهای شهری و در مقیاسی جهانی متبلور شده است چرا که امروزه در شهرهای بزرگ با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف بالاتر از دیگر نقاط است؛ به دلیل رشد روحیه فردی

*مرکز سامانه مدیریت شهری تهران

گیری واگرایی در اجتماعات شهری را فراهم آورده است (محمدی ده چشمه، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

پر واضح است که شهرنشینی در حال گذار و زائیده اضطراب کشور ما نیز از تأثیر این تحولات بدور نمانده است، و در کلان شهرها و بویژه شهر تهران به عنوان نخست شهر کشور، نمود واقعی این فرایندها عینیت می باشند. نگاهی به فرایند رو به رشد جمعیت و توسعه فیزیکی نابسامان در شهر تهران گویای این واقعیت می باشد که امروزه تهران نوین به عنوان کلانشهر ملی و منطقه ای با مسائل و تنگناهای فراوانی مواجه می باشد. مشکلاتی که بخش اعظم آن خواسته یا ناخواسته به مدیریت شهر تهران مرتبط می شود (صرافی، ۱۳۸۳: ۳۲). مواجهه با این مشکلات در شهر تهران نیازمند استراتژیهای نوین و کارآمدی می باشد که امروزه در قالب مدیریت راهبردی شهر تهران مطرح می باشد. مدیریتی مبتنی بر مشارکت شهروندی، و برنامه ریزی مشارکتی، تا در نهایت به رضایت شهروندی منجر شود. بدون شک رویکرد منتخب مدیران شهر تهران در قالب برنامه ریزی محله مینا و تلاش در تبدیل شهرنشینی به شهروندان صاحب نظر باعث تقویت انسجام اجتماعی و هویت محلی در سطح محلات گذشته و عاملی برای افزایش حس اعتماد مردم به مسئولین، مشروعیت و شفافیت مدیریت شهری، پاسخگویی، محاسبه پذیری و در نهایت حضور همه مردم در فرایند مدیریت و برنامه ریزی قلمداد می شود.

بدون شک رویکرد منتخب مدیران شهر تهران در قالب برنامه ریزی و مدیریت راهبردی با تکیه بر مدیریت محلی و برنامه ریزی محله مینا و تلاش در تبدیل شهرنشینی به شهروندان صاحب نظر باعث تقویت انسجام اجتماعی و هویت محلی در سطح محلات گذشته و عاملی برای افزایش حس اعتماد مردم به مسئولین، مشروعیت و شفافیت مدیریت شهری، پاسخگویی، محاسبه پذیری و در نهایت حضور همه مردم در فرایند مدیریت و برنامه ریزی قلمداد می شود.

۱۳۷ (مرکز سامانه مدیریت شهری تهران)

امروزه در عصر ارتباطات وجود سیستمهای الکترونیکی مدیریت اطلاعات و ارتباطات (IT و ICT) نقش مهمی در ساماندهی شهر قرن بیست و یکی دارد و گفته شده که آنچه در هزاره سوم عامل شکل دهی به مورفولوژی و ساختار شهر گشته چیزی جز تکنولوژی ارتباطات نمی باشد. بکارگیری این اهرمها در مدیریت شهرهای نابسامان و بی قاعده امروزی می تواند نقش کارآمدی در سامانی این شهرها داشته باشد (تیبالداز، ۱۹۹۹: ۱۴). از رویکردهای مفید شهرداری تهران در سالهای اخیر بهره گیری از این سیستمهای الکترونیکی در مدیریت شهری می باشد. ۱۳۷ یک سامانه الکترونیک دریافت پیام مردم و ابلاغ آن به عنوان دستور شهردار تهران به شهرداری مناطق بیست و دوگانه شهر تهران می باشد که توانسته است فاصله ارسال تا ابلاغ پیام را به صفر برساند (مرکز سامانه مدیریت شهری، ۱۳۸۵: ۱۰). از این رو می توان گفت ۱۳۷ یک تلفن نیست بلکه یک سیستم مدیریت شهری علمی و یک مدیریت شهری پاسخگوست (قالیباف، ۱۳۸۵: ۱۳) که پیام شهروندان را دریافت و بنا به موقعیت جغرافیایی منطقه و محتوای پیام ذخیره می شود و شهروند نیز با دریافت یک کد بررسی می تواند از فرایند اجرایی درخواست خود مطلع گردد. نمودار ۱ فرایند دریافت پیام از طریق سامانه مدیریت شهری تهران (۱۳۷)

بدیهی است مشارکت و برخورد مشارکتی در اداره شهرها هدف نهایی نیست بلکه راهی است برای برقراری ارتباط درست و انجام همکاریهای لازم به شکل مؤثر و تبدیل شهرنشینان به شهروندان آگاه می باشد.

فرایندی است که از طریق آن، بهره وران کنترل خود را بر روند برنامه های توسعه و تصمیمات و منابعی که مرتبط با برنامه است، با هم تقسیم می کنند.»^۲

مدهای مدیدی طول کشید تا مفهوم مشارکت در حوزه برنامه ریزی و شهرسازی بروز کرد. «مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره، قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم گیری شهری را تغییر داد. مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و پس از آن، کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند.»^۳ (اوست هویی زن، ۱۳۷۷: ۹۷)

مشارکت شهروندان در ایران طی سالهای اخیر در تمامی امور مطرح بوده است، اما «مفهوم مشارکت به شکلی نامعمول و نامطلوب در حوزه شهرسازی ظهور یافته است به طوری که می توان گفت در مشارکتی که اکنون در حوزه شهرسازی کشور مطرح است، مفهوم مشارکت، قلب ماهیت شده است. هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری بیشتر آنان به طرح های شهری است. آن چه در حال حاضر در طرح هایی که با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می گردد به هیچ وجه ناظر بر این

امروز بوم شهر را می توان مکانی پاره پاره و دستخوش هرج و مرج دانست که در آن توجه به مقوله پایداری و حفظ تعاملات به رؤیایی دست نیافتنی تبدیل شده است.

از رویکردهای مفید شهرداری تهران در سالهای اخیر بهره گیری از این سیستمهای الکترونیکی در مدیریت شهری می باشد. ۱۳۷ یک سامانه الکترونیک دریافت پیام مردم و ابلاغ آن به عنوان دستور شهردار تهران به شهرداری مناطق بیست و دوگانه شهر تهران می باشد که توانسته است فاصله ارسال تا ابلاغ پیام را به صفر برساند

نگاهی به آمارهای موجود از تماس با مرکز ۱۳۷ نشان می دهد که بیشترین تماسها با محوریت موارد زیر انجام گرفته است:

جمع آوری و نصب
آسفالت

موضوعات مربوط به پسماند و زباله
نظافت و بهداشت شهری

سد معبر (شهرداری تهران، ۱۳۸۶: ۳۲)

از ابعاد کارآمد ۱۳۷ در مدیریت شهری وجود طرح های جهادی می باشد که در یک مقطع کوتاه زمانی و با مشارکت مردمی به حل مشکلات خاص مناطق و یا محلات شهری می پردازد.

مشارکت شهروندی و مدیریت راهبردی

مشارکت مفهوم تازه ای نیست، بلکه ریشه های مفهوم مشارکت را در دولت - شهرهای یونان باستان می توان پی جویی کرد. در عصر کنونی، پس از دوران نوزایی و گذر از سده های میانی و همزمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت سیاسی و اجتماعی در قالب اعطای حق رأی مساوی و حق تشکیل نهادها، گروه ها بروز کرد. کمیسیون اسکفینگتون در بریتانیا، مشارکت مردم را چنین بیان می کند: «مشارکت به نظر ما، سهیم شدن مردم در تدوین سیاستها و پیشنهاد است. دادن اطلاعات از طرف مسئولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات، بخش مهمی از فرایند مشارکت به حساب می آید، اما تمام ماجرا نیست. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح برعهده گیرند.»^۴ (اوست هویی زن، ۱۳۷۷: ۹۷).

بانک جهانی نیز مشارکت را چنین تعریف می کند: «مشارکت،

۱- Stakeholders

۲- www.worldbank.org/wbi/sourcebook

مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح برعهده گیرند

(۱) عوام فریبی Manipulation

(۲) درمان Therapy

(۳) اطلاع رسانی Informing

(۴) مشاوره Consultation

(۵) تسکین بخشیدن Placation

(۶) شراکت Partnership

(۷) قدرت تفویض شده Delegated Power

(۸) اختیار شهروندان Citizen Control

ردیفهای ۱ و ۲ منجر به محرومیت از مشارکت شهروندان می گردد و ردیفهای ۳ و ۴ و ۵ مشارکت جزئی در پی دارد و ردیفهای ۶ و ۷ و ۸ نشان دهنده قدرت شهروندان در مشارکت است. (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۶)

در مشارکت واقعی، با ایجاد ساز و کارهای لازم برای ورود مؤثر مردم و نهادها در زمینه های مختلف شهرسازی حمایت کامل از آنها انجام می گیرد و دولت، «علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیتهای مشارکتی از طریق آموزشی و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی، منطقه ای و محلی می باشد.»

۲- نظریه مشارکتی اسکات دیویدسون^۵

این نظریه شامل یک گردونه مشارکت می باشد. در این گردونه «دیویدسون» سطوح مختلفی از مشارکت را بدون هیچ ترجیحی برای هر یک ارائه می نماید. (شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰: ۴۷)

سطوح چهارگانه مشارکت در نظریه گردونه ای دیویدسون عبارتند از: (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۷)

«اطلاع رسانی؛

مشاوره؛

مشارکت؛

توانمندسازی؛»

۳- دیوید دریسکل^۶

«دریسکل» مشارکت را مبتنی بر سه اعتقاد زیر بیان می کند: الف) «توسعه، در مرحله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛ ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛

مفهوم نبوده و عمدتاً عبارتست از تأمین مالی طرح یا پیش فروش واحدهای احداثی». (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۶)

نکته قابل توجه این است که قبل از اینکه از افراد یک جامعه انتظار برود تا در امر مشارکت شهری به عنوان شهروند عمل کنند، باید شرایطی مناسب برای آنها فراهم کرد. این شرایط عبارتند از:

(۱) داشتن اختیار در شرایط آگاهی و توانایی، اطلاعات، از رفاه برای تبدیل شدن به کارگزارانی مؤثر در جامعه؛

(۲) ایجاد فرصتها، در شرایط عدم تمرکز و قدرتهای سیاسی و اقتصادی برای شهروند شدن؛

(۳) ایجاد انگیزه لازم برای حس شهروندی بهطور جدی برای اجرای وظایفی که به عنوان عضو جامعه برعهده دارند (توسلی، ۱۳۸۳: ۵۳).

بدیهی است مشارکت و برخورد مشارکتی در اداره شهرها هدف نهایی نیست بلکه راهی است برای برقراری ارتباط درست و انجام همکاریهای لازم به شکل مؤثر و تبدیل شهرنشینان به شهروندان آگاه می باشد.

نظریه های رایج در شهرسازی مشارکتی

در زمینه مدیریت و شهرسازی مشارکتی نظریه های متعددی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ مطرح شده است. به چند نمونه از این نظریه ها که بیشتر با فرایند مشارکت شهروندی در مدیریت شهری مربوط باشند، پرداخته می شود.

۱- نظریه شری ارنشتاین^۳

ارنشتاین مفهوم مشارکت را در ۱۹۶۹ به نحو روشن بیان نمود. وی مشارکت شهروندی را با تعبیر «قدرت شهروندی» به کار بست و آن را با «نردبان مشارکت»^۴ توضیح داد. نردبان ارنشتاین از پله های زیر تشکیل شده است: (Arnstein، ۱۹۹۶)

۳ - Sherry Arnstein ۱۹۹۶

۴ - Arnstein, Sherry (۱۹۶۹), Ladder Of Citizen Participation, Journal Of Planning Association, No. ۳۵.

۵ - Scott David Son ۱۹۹۸

۶ - David Driskell ۲۰۰۲

در مشارکت شعاری، هدف کسب مشروعیت طرح و کاهش از میزان مقاومت مردم در مقابل آن و سهولت اجرای طرح است. مردم هیچگونه تصمیم گیری، اطلاعات و اختیارات راجع به طرح ندارند و مشارکت در خوشبینانه ترین حالت محدود به مشارکت مردم در تأمین اعتبار مالی پروژه است.

مشارکت می کنند. علاوه بر اینکه شهروندان حق اظهار نظر دارند، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر اجرای خواسته هایشان را نیز دارند.» تأمین هزینه ها با پشتیبانی دولت و مشارکت مردم تأمین می شود. «مشارکت، علاوه بر آن که ابزاری برای بهبود کیفیت طرح ها قلمداد می شود، به عنوان هدف نیز تلقی می شود و موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان می گردد. جریان اطلاعات، دوسویه و بسیار فعال است و مراجع برنامه ریزی و مردم هر دو، اطلاعاتشان را در اختیار هم می گذارند. پشتوانه فکری این گونه مشارکت، دیدگاه های مردم سالاری لیبرال و مشارکت مستقیم (نه صرفاً مشارکت نمایندگان) است (مهدیزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

آنطور که در نظریات شهرسازی مشارکتی ذکر شد بنیانهای مشترک در مشارکت شهروندی عبارت اند از:

نظر خواهی

اطلاع رسانی

مشاوره

نظارت

با نگاهی به بنیانهای مشترک در نظریات مدیریت شهری مشارکتی می توان دریافت که مدیریت شهری در تهران و سایر کلانشهرهای کشور در گذشته محدود و کنترل شده اعمال گشته است (بحرینی، ۱۳۷۹: ۱۳). این در حالی است که رویکردهای نوین در مدیریت شهری تهران از قبیل وجود سامانه های هوشمند ۱۳۷، ۱۲۵، ۱۹۷ و... (با توجه به قابلیت های خاص) خود گامی در جهت تثبیت الگوی کارآمدی از مشارکت واقعی شهروندان در امور شهر تهران می باشد. با اندکی تامل می توان دریافت که الگوی مشارکتی ۱۳۷ واجد تمامی ابعاد یک مدیریت شهری شهروندمدار می باشد.

پ) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند.» (Driskell, 2002)

در بررسی معیارهای کیفیت و نحوه مشارکت شهروندان در ساخت و سازهای شهری و پرداختن به موضوع از ۳ منظر فکری و فلسفی، برنامه ریزی و مدیریتی می تواند ارزیابی مناسبی بدست دهد. از این ۳ وجه می توان معیارهای زیر را بررسی نمود:

۱- «نیت اصلی و واقعی برنامه ریزان ؛

۲- دامنه مشارکت ؛

۳- نگاه به مشارکت ؛

۴- نظر خواهی از شهروندان ؛

۵- حق اعتراض مردم به طرح ؛

۶- نظارت شهروندان ؛

۷- جریان اطلاعات (جریان اطلاعات باید دوسویه باشد) ؛

۸- پشتوانه فکری و فلسفی». (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴،

ص ۲۱)

با توجه به معیارهای ارائه شده نظریه های مشارکتی در پروژه های شهرسازی ایران در سه دسته:

۱) «مشارکت شعاری ؛

۲) مشارکت محدود ؛

۳) مشارکت واقعی» قابل بررسی است. (رضویان، ۱۳۸۳،

ص ۲۱)

در مشارکت شعاری، هدف کسب مشروعیت طرح و کاهش از میزان مقاومت مردم در مقابل آن و سهولت اجرای طرح است. مردم هیچگونه تصمیم گیری، اطلاعات و اختیارات راجع به طرح ندارند و مشارکت در خوشبینانه ترین حالت محدود به مشارکت مردم در تأمین اعتبار مالی پروژه است.

در مشارکت محدود، نیت اصلی مقامات، تأمین منافع مردم تا جایی است، که با منافع دولت و مراجع برنامه ریزی تضاد پیدا نکند. سهمی از تصمیم گیری و هدف گذاری به مردم واگذار نمی شود. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند؛ اما نمی توانند بر اجرای نظراتشان، نظارت داشته باشند و اعمال خواسته های خود را پیگیری نمایند» و «مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح ها قلمداد می شود. جریان اطلاعات از مردم به برنامه ریزان منحصر می شود. پشتوانه فکری و فلسفی این نوع مشارکت، دیدگاه های کارکرد گرایانه و فن سالارانه است.

در مشارکت واقعی نیت اصلی تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. «شهروندان در تصمیم گیری و هدف گذاری

در مشارکت واقعی نیت اصلی تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. «شهروندان در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری مشارکت می‌کنند. علاوه بر اینکه شهروندان حق اظهار نظر دارند، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر اجرای خواسته‌هایشان را نیز دارند.» تأمین هزینه‌ها با پشتیبانی دولت و مشارکت مردم تأمین می‌شود.

۱۳۷ و اهداف راهبردی آن

ناگزیریم علمی حرکت کنیم، با خرد جمعی گام برداریم، از مدیریت دولتی فاصله بگیریم و مشارکت مردمی را در همه عرصه‌ها به نمایش بگذاریم. (قالیباف، ۱۳۸۶: ۱۱)

شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری بسیار مهم و تعیین‌کننده است، از این رو تغییر در رویکردهای مدیریتی شهر همسو با تحولات جهانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. طرح ایجاد سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ از سوی مدیریت شهری تهران جوابگویی بدین نیاز بوده است. از مهم‌ترین اهداف راهبردی سامانه اطلاعات ۱۳۷ شهرداری تهران عبارت است از:

۱۳۷ طرحی است منطبق با اهداف توسعه پایدار شهری از بعد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی

۱۳۷ جهت‌گیری مشخصی برای کاهش بروکراسی حاکم بر نظامهای مدیریتی در شهر تهران دارد

۱۳۷ رویکردی کنترل‌گر بر مدیران شهری دارد

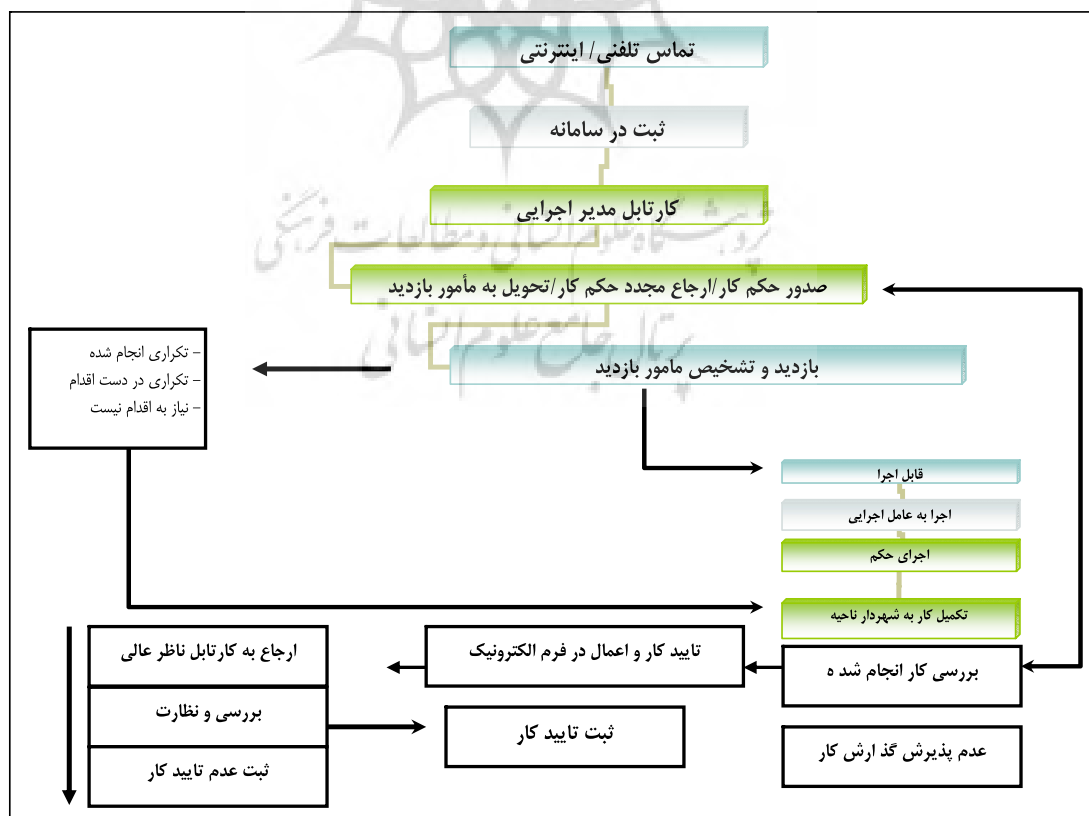
۱۳۷ رویکردی است برای تکریم ارباب رجوع

۱۳۷ به عنوان ابزاری در شکل‌دهی به مدیریت واحد شهری عمل می‌کند

۱۳۷ گامی است برای شکل‌دهی به شهروند، شهرداری و در نهایت شهر الکترونیک.

۱۳۷ گامی است در جهت احیای حقوق شهروندی

۱۳۷ بر سه اصل شهروندمداری، محله‌گرایی و جلب مشارکت



مدیریت محلی، به جایگاه و نقش سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ در مدیریت راهبردی شهر تهران آنچنان که شایسته و بایسته است توجه نگردیده است. این در حالی است که موفقیت این طرح می تواند به عنوان یک الگوی مدیریتی - مشارکتی هوشمند برای اداره سایر کلانشهرهای کشور مطرح شود.



نتایج و رهیافتها

با بررسی کوتاه و اجمالی از نظام شهرنشینی کشور مشخص می شود که جامعه شهری امروز کشور با مشکلات روز افزون فراوانی از قبیل آلودگی محیط زیست، کمبود خدمات شهری، کمبود مسکن، حاشیه نشینی و... مواجه می باشد. این مشکلات عمدتاً در کلانشهرهای کشور نمود دارد و در تهران به عنوان کلانشهر ملی و بین المللی ایران عینیت بارزتری یافته است.

نهادهی که به طور مستقیم مسئول هدایت، کنترل و ساماندهی این مشکلات می باشد، مدیریت شهر است. گسترش شهرنشینی در دهه های اخیر به ویژه افزایش جمعیت تهران و کمبود امکانات

چنین طرح ابتکاری که هیچگونه الگوی پیشین را برای جهت گیری خود نداشته است، هم اکنون به طور کامل در بین شهروندان و سازمانهای مرتبط شناخته شده نیست، ابعاد و کارایی های آن در حوزه مدیریت و برنامه ریزی شهری به طور کامل توجیه نشده اند، گستره فعالیتی این سامانه برای شهروندان و سایر ارگانهای دولتی و خصوصی تعریف شده نیست و در مجموع با تمام کارایی و موفقیت این طرح در زمان حیات کوتاه مدت خود (نزدیک به ۲ سال) در مشارکت پذیری شهروندان و مدیریت محلی، به جایگاه و نقش سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ در مدیریت راهبردی شهر تهران آنچنان که شایسته و بایسته است توجه نگردیده است.

شهروندان استوار است

در مجموع ۱۳۷ گامی است برای هدایت، کنترل و ساماندهی فوریتهای خدماتی شهر آنچه این طرح را به عنوان یک طرح کارا و مؤثر در حوزه مدیریت شهری تهران مطرح می کند؛ نقشی است که شهروندان در موفقیت یا شکست این پروژه ایفاگرند. چرا که امروزه در زمانی قرار داریم که میتوان آن را عصر حاکمیت مردم یا مردم سالاری نامید. اگر در قرنی که گذشت دموکراسی نمایندگی تنها آرمان مسلط در جوامع بشمار میرفت، امروزه دموکراسی مشارکتی و محلی گرایی جایگزین آن شده است. به اعتراف همه متخصصان آنچه که آشفتگی شهرهای ما را به سامان میرساند چیزی جز مشارکت شهروندان در امور شهر نیست. رابطه مشارکت با شهروندی یک رابطه جدایی ناپذیر است و همانطور که شهروندی ذات جامعه انسانی است، مشارکت هم جزء ذات جامعه انسانی است. هر دو با هم قدرتمند میشوند و با هم نیز تضعیف می گردند (ارجمند نیا، ۱۳۷۹: ۳۲).

نکته مشخص اینکه چنین طرح ابتکاری که هیچگونه الگوی پیشین را برای جهت گیری خود نداشته است، هم اکنون به طور کامل در بین شهروندان و سازمانهای مرتبط شناخته شده نیست، ابعاد و کارایی های آن در حوزه مدیریت و برنامه ریزی شهری به طور کامل توجیه نشده اند، گستره فعالیتی این سامانه برای شهروندان و سایر ارگانهای دولتی و خصوصی تعریف شده نیست و در مجموع با تمام کارایی و موفقیت این طرح در زمان حیات کوتاه مدت خود (نزدیک به ۲ سال) در مشارکت پذیری شهروندان و



رفاهی متناسب با این افزایش جمعیت، مشکلات فراوانی را پیش روی مدیریت شهری قرار داده است.

از آنجایی که امروزه در هزاره سوم و در مواجهه با شهرهای بی قاعده قرن بیست و یکم، مدیریت شهری در یک پایتخت ملی و ابر شهر جهانی به شیوه های سنتی محکوم به زوال و شکست می باشد، وجود سازوکار نوینی در مدیریت شهری برای همراه کردن شهروندان و به نوعی ((مدیریت با مردم و نه مدیریت بر مردم)) در شهر تهران حس می شد تا در نهایت مدیریت کارآمد شهر تهران با تکیه بر تجارب مدیریتی و در یک اقدام ابتکاری مرکز سامانه مدیریتی شهر تهران ۱۳۷ را به عنوان واسط شهروندان و

- شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰، «مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰
- سامانه مدیریت شهری تهران، ۱۳۸۶، طرح جهادی
- صرافی، مظفر، ۱۳۸۲، بنیادهای توسعه پایدار شهری، همایش توسعه و ضد توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر تهران
- حبیبی، سعید محسن و هادی سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- رضویان، محمد تقی، ۱۳۸۳، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو
- فرانسیس تیبالداز، ۱۹۹۲، شهرهای انسان محور، ترجمه حسن لقایی و فیروزه جدلی، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه تهران
- قالیباف، محمد باقر، ۱۳۸۶: طرح جهادی، انتشارات سامانه مدیریت شهری تهران
- محمدی ده چشمه، مصطفی، ۱۳۸۶: جهانی شدن و تأثیر آن بر سکونتگاه های شهری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۲
- مهدیزاده، جواد، ۱۳۸۳، نظریات جامعه شناختی در مطالعات شهری، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۹

مدیران شهری طراحی نمود، چرا که به اعتراف همه متخصصان آنچه که آشفتگی شهرهای ما را به سامان خواهد رساند چیزی جز مشارکت شهروندان در امور شهر نیست. سامانه مدیریت شهری تهران (۱۳۷) پلی ارتباطی بین مدیران شهری و شهروندان می باشد تا از طریق ارتباط تلفنی و اینترنتی به بیان مشکلات و نظرات خاص خود در ارتباط با محله، منطقه و یا شهر تهران بپردازند. کاهش بروکراسی اداری، کنترل مدیریت شهری، مشارکت شهروندی، اطلاع رسانی بهینه و... از مزایای این اهرم در مدیریت شهری تهران می باشند. لازم به ذکر است که مشارکت به عنوان اهرم اصلی شکل دهنده به یک مدیریت شهری راهبردی است که مدیریت شهری تهران بدان مجهز شده است.

منابع

- ارجمند نیا، اصغر، ۱۳۷۹، بوم شهر تبلور پایداری شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴
- اوست هویی زن، اندریاس، ۱۳۷۷، «مشارکت شهروندان در طرح ریزی و توسعه نواحی شهری»، ترجمه ناصر برک پور - مجله معماری و شهرسازی، شماره های ۴۸ و ۴۹،
- بحرینی، سعید حسن، ۱۳۷۹، شهر، شهرسازی و محیط زیست، مجله محیط شناسی، شماره ۱۹
- توسلی، محمود، ۱۳۷۶، «قواعد و معیارهای طراحی فضاهای شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، صص ۷۱-۸۸.